

مبانی توسعه پایدار در ایران

جواد اطاعت دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شهید
بهشتی

بهمن ۱۳۹۶

ارزیابی فرایند توسعه در ایران

- شاخص های اقتصادی؛ تورم، بیکاری، شکاف طبقاتی، رشد اقتصادی، درآمد سرانه، فساد اقتصادی و.....
- شاخص های اجتماعی به نسبت جمعیت؛ اعتیاد، افسردگی های روحی روانی، طلاق، ضرب و جرح، قتل، سرقت، سرقت مسلحانه، تعداد پرونده های قضایی به نسبت جمعیت،
 - شاخص های فرهنگی.....
 - شاخص های سیاسی

ارزیابی فرایند توسعه در ایران

- ارزیابی فرایند توسعه در ایران براساس شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نه تنها نگران کننده که آزار دهنده است. اگر چه در طول شصت سال برنامه‌ریزی برای توسعه، تولید ناخالص ملی افزایش داشته است؛ اما در یک فرایند مقایسه‌ای - تطبیقی با بسیاری از کشورهای در حال توسعه حتی در زمینه رشد اقتصادی علیرغم برخورداری ایران از منابع طبیعی و بویژه نفت و گاز، موقعیت جغرافیایی مناسب، پتانسیل قابل توجه در زمینه گردشگری و مهم‌تر از آن سرمایه انسانی مورد نیاز، فرایند رشد قابل قبول نیست

مکاتب توسعه

الف؛ مکتب نوسازی

ب، مکتب وابستگی

ج؛ مکتب نظام جهانی

○ **مکتب‌نوسازی** معتقدند توسعه فرایند گذار از جوامع سنتی به جوامع مدرن است. کسانی همانند دانیل لرنر، ماریون لوی، نیل اسملسر، ساموئل آیزنشتات، گابریل آلموند و... توسعه را از منظر کشورهای توسعه‌یافته غربی مورد مطالعه قرار داده‌اند. این مکتب علت اصلی توسعه نیافتگی کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه را با نگرشی درون‌گرا بر عوامل و موانع داخلی نظیر فرهنگ سنتی، فقدان انگیزه پیشرفت، سرمایه‌گذاری اندک، دولتهای استبدادی و ناکارآمد و... متمرکز کرده‌اند. این دیدگاه با استفاده از دو نظریه تکامل‌گرایی و کارکرد گرایی چگونگی گذار کشورهای پیشرفته غربی از جامعه سنتی به جامعه مدرن را تبیین می‌کند و این فرایند را سرمشق و الگویی برای کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه می‌داند.

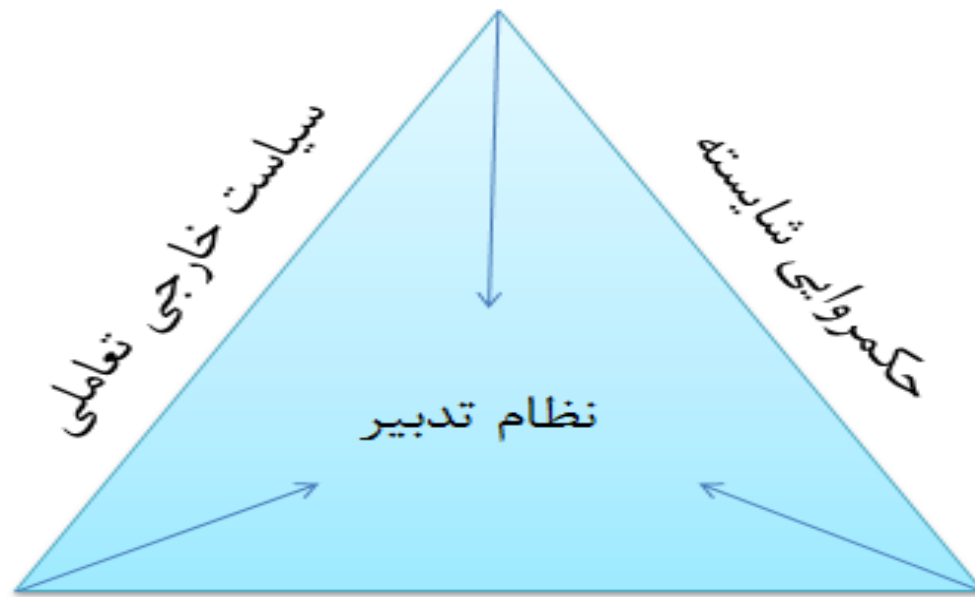
○ **مکتب وابستگی** ؛ از دیدگاه کشورهای توسعه نیافته به موضوع می نگرد و با نگاهی "پرون گرا" نظریه " درونگرایانه "مکتب نوسازی را مورد انتقاد قرار داده، عامل توسعه نیافتگی را در روابط استثمار گرایانه و تجربه استعمار و ایجاد شکاف بین مرکز و پیرامون مورد توجه قرار می دهد. خواستگاه این نگرش دانشگاه های امریکای جنوبی است. کسانی چون آندره گوندر فرانک، دوس سانتوس، سمیرامین، کاردوزو، فورتادو. . . بر این باورند که روابط و مناسبات ناعادلانه بین المللی باعث عقب ماندگی و توسعه نیافتگی کشورهای پیرامونی شده است. بطور طبیعی قطع و یا تضعیف این روابط و مناسبات گام اول کشورهای توسعه نیافته در مسیر توسعه و پیشرفت خواهد بود.

مکتب نظام جهانی؛

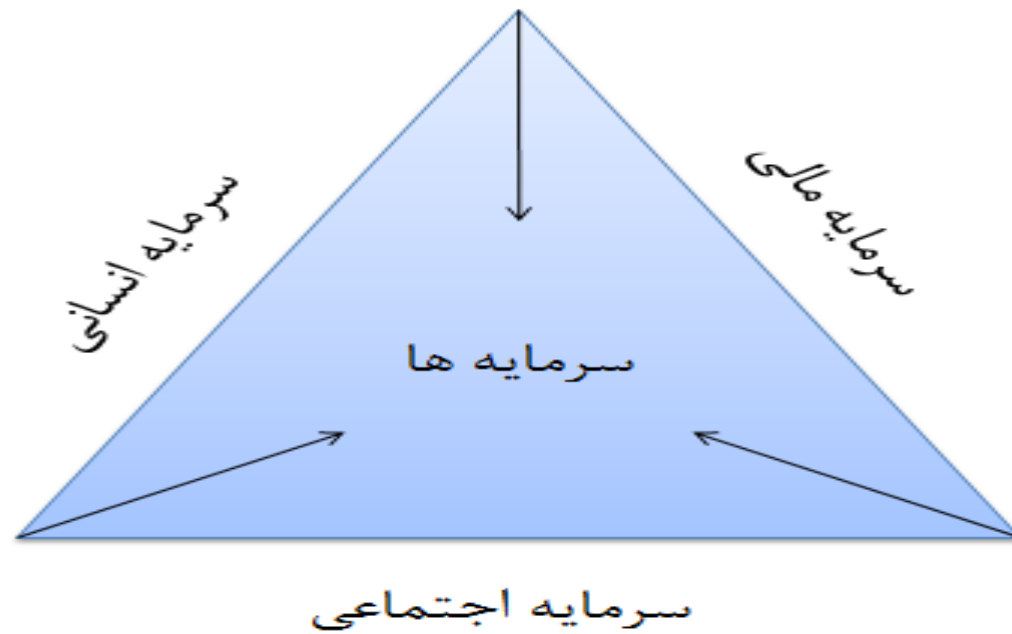
این مکتب بر خلاف نظریه نوسازی که سطح تحلیل خود را بر چگونگی رشد و توسعه کشورهای پیشرفته استوار می‌ساخت و برغم نظریه وابستگی که کانون توجه خود را بر توسعه نیافتگی کشورهای پیرامون متمرکز ساخته بود، با تقسیم کشورها به مرکز، شبه پیرامون و پیرامون، واحد تحلیل خود را یک گستره تحقیقاتی بسیار وسیع در چارچوب نظام جهانی قرار می‌دهد. والرشتاین با تقسیم تاریخ اقتصاد سرمایه‌داری به دو دوره، از قرن شانزدهم تا سال ۱۹۴۵ میلادی و بعد از آن فرایند تحولات اقتصاد جهانی را مورد مطالعه قرار داده و بر این باور است که با پویش‌های تاریخی نظام جهانی احتمال ارتقاء از موقعیت پیرامونی به شبه پیرامونی و از شبه پیرامونی به مرکز و برعکس وجود دارد. کما اینکه کشورهای چینی انگلستان، ایالات متحده آمریکا و آلمان که زمانی در موقعیت نیمه پیرامونی بوده‌اند، توانسته‌اند به موقعیت کشورهای مادر یا مرکز انتقال پیدا کنند.

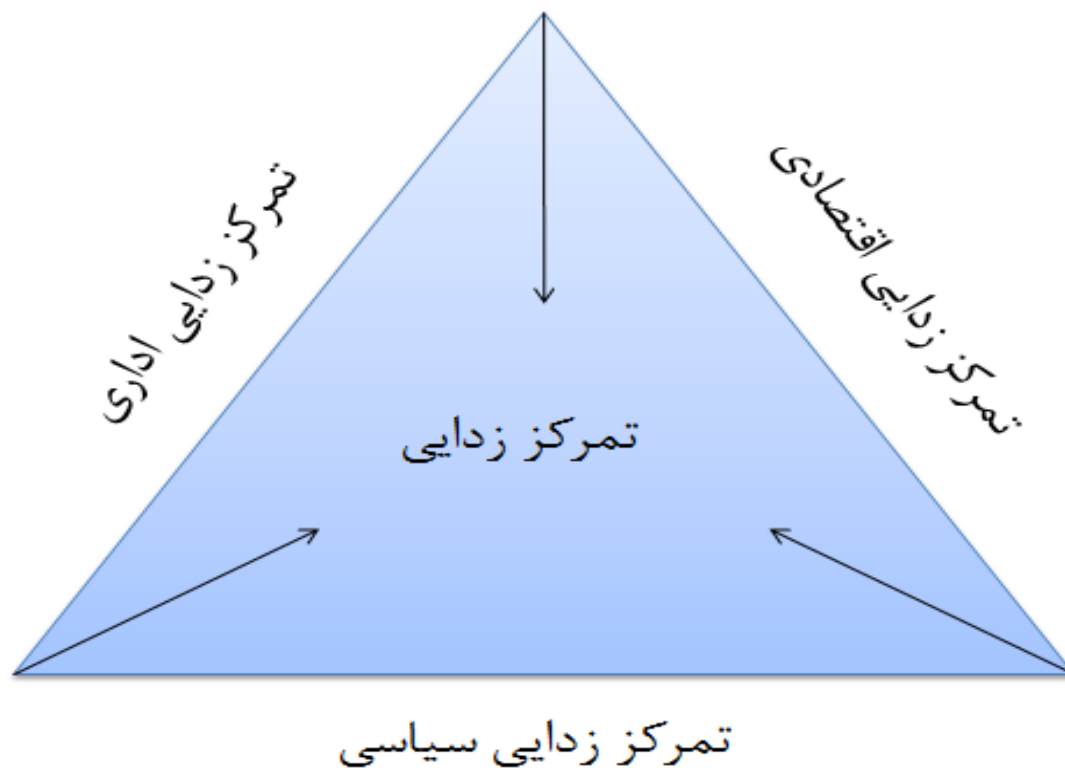
نظریه این گفتار

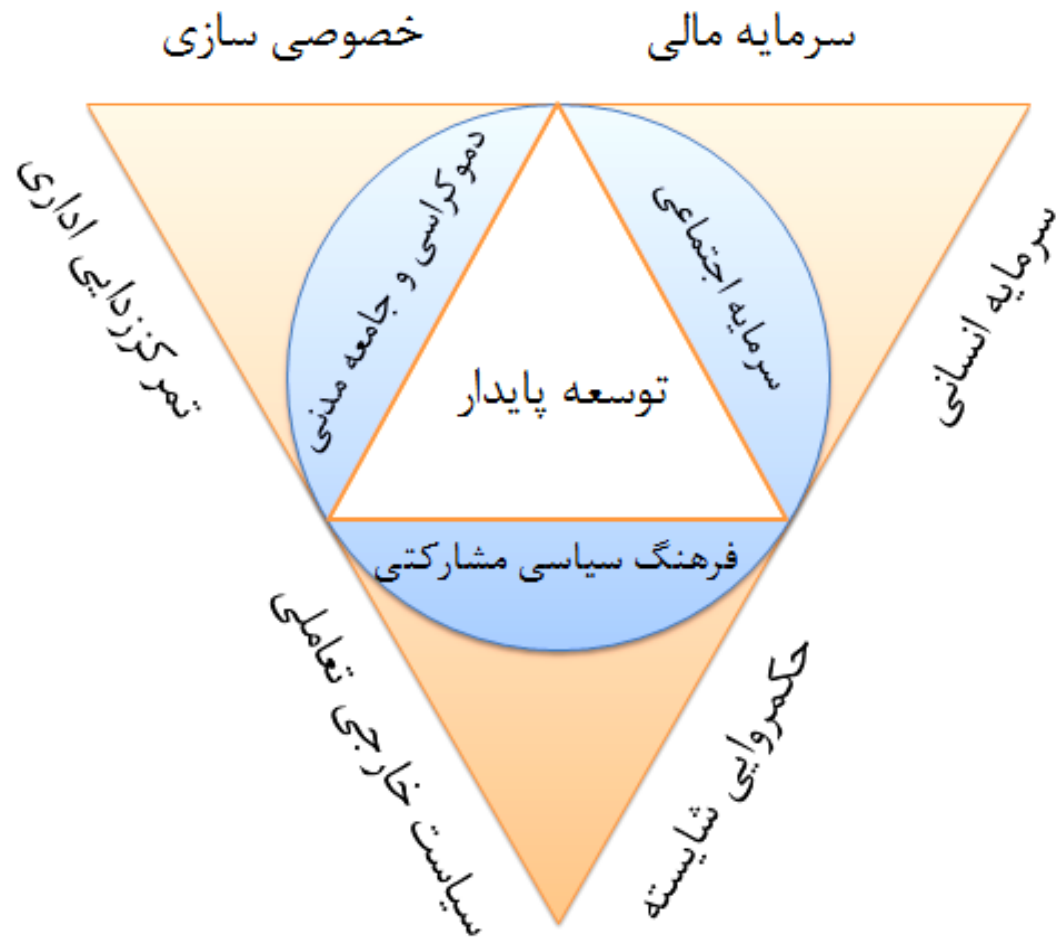
○ با این رویکرد بر اساس شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آنچه مفروض ماست توسعه نیافتگی ایران است موضوع بعدی دلایل این توسعه نیافتگی است. مهم‌تر آنکه برای جبران این توسعه نیافتگی چه باید کرد؟ و یا به عبارتی راه برون رفت از این وضعیت کدام است؟ نظریه‌ای که مبنای این نوشتار می‌باشد این است که علت اولیه و موجد توسعه نیافتگی داخلی است و علت مبقیه و تعمیق توسعه نیافتگی به چگونگی روابط و مناسبات حاکم بر نظام بین‌المللی ارتباط پیدا می‌کند. این نظریه با رویکردی اثباتی و نه سلبی توسعه‌یافتگی کشوری چون ایران را درگرو سه مثلث "نظام تدبیر"، مثلث "سرمایه‌ها" و مثلث "تمرکززدایی" می‌داند.



فرهنگ سیاسی مشارکتی







تمرکززدایی سیاسی (دمکراسی و توسعه)

الگوهای توسعه

الف، اقتدارگرا؛ چین، مالزی، سنگاپور

ب؛ دمکراتیک

۱- لیبرال دمکراسی (ایالات متحده امریکا)

۲- سوسیال دمکراسی (سوئد، نروژ، دانمارک، سوئیس، هلند)

مغالطه اقتدارگرایی و توسعه

- امنیت لازمه توسعه است
- که ممکن هست به شیوه اقتدارگرایانه تامین شود یا به شیوه دمکراتیک.
- کما اینکه هر کشور دمکراتیکی توسعه یافته است؛ اما هر کشور اقتدارگرایی لزوما توسعه یافته نیست (کوبا، کره شمالی)

مقایسه تطبیقی درآمد سرانه کشورهای دمکراتیک و اقتدارگرا

- اروپای شرقی - اروپای غربی
- آلمان شرقی سابق و آلمان غربی سابق
- کشورهای اقتدارگرا و دمکراتیک

راه چاره برای کشورهای اقتدارگرا؛ گزار سلامت آمیز می
باشد

نمونه موردی؛ افریقای جنوبی

○ پاینده و پایدار باشید